



میر عبدالواحد سادات 1

: تبجیل از يك شخصیت مترقی و پیشرو  
به خیانت عصای "روزگار ما ، عصر شکست ارزشها است و عصری است که بقول ویکتور هوگو ،  
و بازار رنگ فروشان ، قوم فروشان و دین فروشان "دکان رنگ است " و همه جا "پادشاهی میدهند  
، رنگ و رونق دارد  
با خرپول و بلند منزل دار ، مترادف گردیده است ، به همین خاطر ، "نخبه " در چند دهه اخیر کلمه  
وقتی از نخبگان صحبت میگردد ، فهرست تکراری همان بیست - سی نفر مکرر مطرح میگردد ، که  
. گویا تیکه دار تمام امور مملکت می باشند  
نسل نو و جوان کمتر از چهل سال که اکثریت نفوس کشور را تشکیل میدهند ، تا چشم باز نموده اند و  
مشاهده مینمایند ، صحبت از زر و زور سالاران و پیامبران سقوط ارزش ها ، را شنیده اند  
: سخن مشیری فقید مصداق حال ما است که  
تنها دینی است که پیروان چندان " و انسانیت بقول گاندی ، "قرن ما روزگار مرگ انسانیت است "  
ندارد  
بدینرو ، تصادفی هم نیست که نماد های خوبی ، نیکی ... و انسانیت از اذهان زدوده میگردد . حسب  
برنامه دشمنان تاریخی افغانستان و حفاران کهنه کار استعمار ، بی جهت نمی باشد که در صد سال  
اخیر و از مشروطه خواهان اول و تا شاه امان اله و تا اکنون هر که با مفاهیم جاودان ترقی ، تنور ،  
تجدد ، عدالت پیوند دارد ، به نام لاتی ، کمونیست و سیکولر اماج تبلیغات خصمانه قرار گرفته و با  
حربه تکفیر ، همانند حضرت بوعلی سینا ، کافرش خوانده اند  
از بوالعجبی های روزگار ، که عده بی از مدعیان کاذب ترقی نیز ، شکست سیاسی را با زوال مفاهیم  
همیشه جاودان عدالت و ترقی همطراز پنداشته و با تخریب خودی اب به آسیاب اربابان جهل میریزند  
و واجب توبیخ می انگارند "مباح الدم " و خود را  
: در چنین روز گار که به سخن ویکتور هوگو  
، شاید تبجیل من "انسان و انسانیت ، اولی در کوچه ها و دومی در لابلای کتابها ، سرگردان است "  
. از انسان های والا و وارسته نوعی بدعت پنداشته شود  
نوشته من معطوف به گرامیداشت از یکی از بهترین نماد های انسانیت است ، انسانیکه کوتاه عمر کرد

، هیچ ارث مادی از خود بجا نگذاشته است ، بلند منزل نداشت و اما ، با سر بلند و میراث سترگ ، معنوی و خاطرات درخشان ، نام او منبع افتخار ما است .



اپریل مصادف به بیست و دومین سال خاموشی این بزرگمرد ، شادروان استاد پیشرو می باشد ( ۲۴ ) . پیشرو فقید ما از اهالی ولایت باستانی جوزجان ، که بعد از سپری نمودن تعلیمات ابتدایی و فراغت از مکتب در انولا ، در دوره جمهوریت اول شامل فاکولته حقوق و علوم سیاسی پوهنتون کابل گردید . حسب تصادف نیک ، چهل و پنج سال قبل با این انسان فرهیخته از طریق یکی از بزرگمردان روزگار ، زنده یاد احمد فرید مرید آشنا شدم و در اولین فرصت معرفی با هم به سبیل مطایبه گفتم ، عکس شانرا زیاد دیده ام ، متوجه شدم که چهره پیشرو بزرگوار سرخ شد و مرید فقید با تعجب پرسید ، در ! کجا ؟ ، گفتم در مجله های دنیا

مگر عکس دوکتور ارانی را ندیده اید ؟ در همان نگاه اول مشابهت زیاد بذهنم تداعی گردید . یاد از : مجله دنیا فرصت انرا مساعد نمود که ، فرید مرید فقید بگوید

رحیم جان عاشق مطالعه و علاقمند مجله های دنیا است و خوب است که مجله ها در اختیارش قرار دهی .

این آشنایی ، البته با پایه مستحکم سیاسی و فکری طی سالیان بعدی به دوستی و اندیوالی جاودان مبدل گردید .

! یاد یاران قدیم نرود از دل تنگ

حسب تصادف و شاید حسب پلان در اوایل دهه شصت یکجا در شعبه تبلیغ و ترویج کمیته مرکزی حزب دیموکراتیک خلق افغانستان ( حزب وطن ) توظیف گردیدیم و چند سالی از بهترین سالهای پر خاطره را در یک دفتر همکار بودیم . در آن سالهای شور جوانی از داشته های دنیا فقط کار و مطالعه

زندگی ما را میساخت و محل کار و ارتباط با کدر تدریسی فاکولته حقوق هر دو ممد و مکمل اهداف ما بود .

همکاران شعبه تبلیغ و ترویج انسانهای فرهیخته و وطندوستان ارمانی بودند و رییس شعبه شادروان دهنشین بزرگوار و محترمه پلوشته فرزانه تفقد و مواظبت زیاد بحق ما روامیداشتند و گویی به فراست دریافته بودند ، که ما هر دو نسبت به کار در ان مقام عالی به پوهنتون وابسته و دل بستگی داشتیم در سالهای بعدی شادروان پیشرو بحیث منشی کمیته ولایتی ولایت جوزجان تعیین گردید و من در دولت و رییس حقوق شورای انقلابی وقت مقرر گردیدم و اما ، دوستی ها ، رفاقت و اندیوالی تداوم داشت و در سیرروزگار مستحکم تر گردید

پیشرو فقید در سالهای اخیر حاکمیت حزب از سیاست و بازیهای سیاسی شکوه داشت و سیر تدریجی افول حزب و دولت ذهن و روان او را نارام می ساخت

استاد پیشرو فقید از عنفوان جوانی مؤنس کتاب و به گفته یکی از استادان ما ، کرم کتاب بود . این محشور بودن با کتاب و مطالعات منظم از او يك دانشمند بلند مرتبت ، اندیشور با آگاهی ، دید وسیع و افق اندیشه ساخته بود

در بعد مسلکی ، استاد پیشرو حقوقدان بلند مرتبت و مورد حرمت منسوبان فاکولته حقوق و اهل حقوق بود و استاد بزرگوار و سابقه دار ان مجمع علمی به دیده حرمت بکار های علمی او می دیدند . پیشرو فقید همچنان در علم اقتصاد از مطالعه و دانش وسیع برخوردار بود و مضمون اقتصاد سیاسی را نیز در فاکولته حقوق تدریس می نمود

: در فقدان این شخصیت علمی افغانستان با مقام شامخ علمی ، کلام حضرت رودکی مصداق دارد که از شمار دو چشم يك تن کم وز شمار خرد هزاران بیش

: استاد پیشرو فقید همیشه و در تمام مراحل زندگی همیشه شخص متواضع ، حلیم و فروتن بود فروتن بود هوشمند گزین نهد شاخ پر میوه سر بر زمین

: در جای خوانده بودم که ، زینت انسان در سه چیز متبارز میگردد علم ، محبت و ازادی ، و استاد پیشرو فقید حایز هر سه ممیزه بود و به همین خاطر شخصیت والای او . معنی می بخشید "انسانیت" به

شادروان رحیم رفعت که بخاطر مطایبه ها و بذله گویی ها شهره آفاق است ، تخلص دوستان را با نظر داشت میمیزات شخصی افراد مطالبه و اکثرا ، تغیر تخلص را بدوستان پیشنهاد مینمود ، با اشنایی بیشتر با پیشرو فقید گفت

تخلص شما با ارامی و نام اول تان سازگاری ندارد و اما تغیر انرا مطرح نه مینمایم ، بخاطریکه از لحاظ فکرو اندیشه ، واقعا پیشرو هستی

در واقع هر انسان بذات يك کتاب است و این صفات عالی اخلاقی است که برجسته گی و تمایز يك شخص را با دیگران باعث میگردد و درست در همین موقع است که ( Personality ) شخصیت بقول برتراندراسل ، انسان ها از خود انسانیت به یادگار میگذارند . شادروان استاد رحیم پیشرو به یقین انسانیت را به جا گذاشته است

استاد پیشرو فقید شاگردان زیاد را آموزش داد و در اماده ساختن تعداد بیشمار کدر ها با روحیه وطندوستی ، ترقیخواه و دادخواهی همت گماشت

پیشرو فقید از مبارزان سابقه دار و شخصیت متعهد به ارمان های ترقی و عدالت بود . موجودیت افغانستان را در گرو وحدت ملی و اشتراك مساعی تمام اقوام با هم برادر و برابر میدانست و ناسیونالیسیم محلی ، سکتاریسیم و شهونیسم را افات مخرب سد راه وحدت و ترقی کشور میخواند

این راد مرد خرد گستر و خدمت گذار صادق مردم و وطن ، بیست و دو سال قبل در دیار غربت کشور تاجکستان و در حالیکه در سرویس با همسرش بجای میرفتند ، به حمله مغزی مواجه و قبل از رسیدن به شفاخانه بجاودانگی پیوست

خبر مرگ ار را دوست دیرین ، عزیز و مشترك ما ، تليفونى بمن كفت ... كه همچون صاعقه بر سرم فرود آمد و ثقلت شنیدن مرگ اين دوست قدیم ، يار بى بدیل به حجم كوه هاى افغانستان بر ذهن و روان سنگینی داشت .

زیاد كوشش نمودم تا سرو درك از فامیل و اولاد ها او را پیدا نمایم تا سرانجام جنرال نعمت حیدری گرانقدر شماره تليفون فامیل شانرا بدست آورد ، و اکنون خوب است تا از استاد تاشقین گرامی پسر كاكا و خسربه استاد فقید ، احوال صحت و عافیت نور چشمی هاى عزیز حمیرا جان ، ادریس جان و فریغون جان و مادر بزرگوار شانرا دارم ، كه سلامتی و سعادت شانرا ارزو میبرم .

در مبارزه تاریخی علم و جهل و جدل تاریخی سنت و تجدد ، جایگاه رفیع استاد عبدالرحیم پیشر همیشه گرامی است .

! روانش شاد باد

با حرمت